خبر

مهدی هاشمی با «یقه‌سفیدها» در سینما

دیروز چهارمین جلسه شورای صنفی نمایش در سال جدید در خانه سینما تشکیل شد و بعد از بررسی درخواست‌ها و موارد مطرح شده، قرارداد سرگروهی فیلم سینمایی «یقه‌سفیدها» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی شهرام مسلخی با پخش «هدایت‌فیلم» ثبت شد.این فیلم به سرگروهی سینما «ماندانا» بعد از فیلم «عروس خیابان فرشته» اکران خواهد شد. یقه‌سفیدها سال ۱۳۹۹ در تهران و در روزهای شیوع کرونا فیلمبرداری شده است.در همان مقطع شهرام مسلخی گفته بود: یقه‌سفیدها برخلاف دیگر فیلم‌هایم ژانری کمدی دارد و همان‌طور که از نام فیلم پیداست در کنار فضای متفاوت کمدی، موقعیت نقد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در زیر متن فیلم را به همراه دارد.مهدی هاشمی، مهدی کوشکی، رضا داوودنژاد، لیلا اوتادی، صحرا اسداللهی، علیرضا استادی، ایمان صفا، یوسف یزدانی، آزاده نوبهار، مسعود حقی، رضا درودی، امیرعباس گودرزی، کاظم بابایی و علی یازرلو ازجمله بازیگران این فیلم سینمایی هستند.از دیگر عوامل فیلم می‌توان به نویسنده: فرزاد گودرزی، سرمایه‌گذاران: فرهاد گودرزی و رضا درودی، مدیر فیلمبرداری: مجید گرجیان، مدیر تولید: فریباالسادات خلیلی، تدوین: عماد خدابخش، طراح گریم: علی خورشید، صداگذار: حسین قورچیان، موسیقی: بابک میرزاخانی، صدابردار: هادی معنوی‌پور و طراح صحنه: شهرام مسلخی و علی سنگینی اشاره کرد./ایسنا

دوشنبه‌نوشته‌ها

محمدتقی فهیم | گروه رسانه

جریان سوم و باز تولید احساسات مردمی

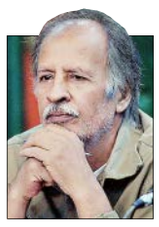

تاریخ سینمای جهان و از جمله کشور خودمان، نشان می‌دهد که هیچ جهش سینمایی اتفاق نیفتاده مگر این‌که فیلمسازان نسبت‌شان با مردم و دغدغه‌ها و احساسات آنان برقرار شده است. موج‌های سینمایی در عین این‌که ضرورت تاریخی هستند، همواره نیز متاثر و زاییده شرایط اجتماعی‌اند که البته توسط فیلمسازان پیشرو، متعهد و آرمانخواه با تولید آثار درخور توجه نضج می‌گیرند. موج‌های سینمایی ضرورت برآیند تاریخی‌اند. استمرار رکود و سکون و تثبیت ابتذال، جریان‌هایی را در پی دارد که اوضاع را بهبود ببخشند. بی‌برو برگرد بطن و متن جریان‌های تازه سینمایی را جوانان پر می‌کنند. مروری بر تاریخ جریان‌های جدید سینمایی نشان می‌دهد که سردمدار این موج‌ها جوان‌های تازه‌نفس و نوجو بوده‌اند. جوان‌هایی که در عین عبور از پیچیدگی سینما، مسلط شده و به فرم‌های خاصی در روایت و تصویرسازی دست یافته‌اند. در واقع فیلمسازانی جریان‌ساز می‌شوند که جبران زیست‌کوتاه‌شان را با مطالعه زیاد و وقوف بر مؤلفه‌های ملی و مردمی پر می‌کنند.

بگذارید (مختصرا) اشاره‌ای بر موج‌های معروف جهانی و جریان‌های مهم سینمایی که بر پهنه جهان نیز سرایت کرده‌اند داشته باشیم تا بدون مصداق عینی حرفی نزده باشیم. اگر بخواهیم از اولین‌ها که فیلمسازان روسی بودند تا آخرین‌هایی که به‌وسیله کارگردان‌های آمریکای لاتین در دنیا شناخته شدند نام ببریم، جملگی توسط جوان‌ها شکل گرفته و تثبیت شدند.

مثلا جریان معروف مونتاژ که با محوریت «آیزنشتاین» و «ورتوف» در روسیه پس از انقلاب ۱۹۱۷ شکل گرفت، جملگی فعالان این جریان در سنین زیر ۲۵ سالگی بودند. اینان در شرایط تحولات اجتماعی و محدودیت‌های امکانات از جمله نبودن فیلم خام به اندازه کافی با خلاقیت و پیگیری به مکتبی از مونتاژ دست یافتند که نه‌تنها در داخل جریانی را به‌وجود آورد که حتی جهان را درنوردید.

اکسپرسیونیست‌های آلمان نیز توسط جوانانی بنیادگذاشته شد که میانگین سنی آنها دهه سوم سن‌شان بود، همچنان‌که معروف‌ترین و مهم‌ترین جریان سینمایی توسط فعالان تحریریه «کایه دوسینما» درحالی رواج یافت که شهرت به نوه‌هایی یافتند که در فرانسه علیه پدربزرگ‌های‌شان قیام کرده‌اند. یعنی، بازن، تروفو، گدار و... در محدوده سنی پایین بودند. موج‌نو ژاپن را هم جوان‌هایی رقم زدند که در دهه ۵۰ میلادی با آثارشان توانستند به فیلمسازان عصرطلایی هالیوود پهلو بزنند، مانند کروساوا، ازو، میزوگوچی و... یا نئوریالیست‌های ایتالیایی پس از جنگ، موج‌نو آلمان یا حتی موج‌نو آمریکا که فیلمسازانی چون اسکورسیزی را در دل خود داشت، همه جوان‌هایی بوده‌اند که با آثار خلاقانه خود جریانی متفاوت را رواج دادند. نهایت این‌که آخرین ساختارشکنان جهانی را باید در آمریکای لاتین دنبال کرد که با فیلم‌های متفاوت خود، به جریان سوم جهانی معروف شدند. یعنی فیلم‌هایی که در مؤلفه‌های فرمیک خود نه مقلد آمریکایی‌ها بودند و نه از سینمای حاکم بر اروپا تبعیت می‌کرد، بلکه واجد ویژگی‌های منحصربه‌فرد جوانان این قاره بود. بی‌تردید همه جریان‌های سینمایی مطرح شده، تاثیرگذار، پرنفوذ و دامنه‌یافته ضمن داشتن ریشه ملی، بازتولید دغدغه‌ها و احساسات مردم وقت و زمانه را سرلوحه قصه‌گویی و درام‌پردازی خود قرار داده‌اند. حتما آینده سینمای کشورمان در چنته فیلمسازان جوان کشور است. همینان خواهند بود که جای پدران و پدربزرگ‌ها را پر خواهند کرد اما اگر در مفاهیم و فرم ارائه آن، حرفی برای گفتن نداشته باشند، نه تنها موجی ایجاد نخواهند کرد، بلکه در جریان حاکم هضم خواهند شد.

پیامدهای یک ویژه‌نامه نادر

سازماندهی برای آگاهی جهانی

اول بگویم این یادداشت کمی غریب است: «درباره» درباره پدیده نادر طالب‌زاده است و دارای چند محور اساسی است که در مقالاتم و همین مقاله «طلب حقیقت» بدان اصرار داشته‌ام و آن افق جهانی و سازماندهی نهادهای مستقل کار فرهنگی جهانی است، درخور انقلاب جهانی اسلامی و انجام تکالیف پیشا ظهور و همراه جهاد داخلی برای تشکیل جامعه سالم، عادل، پیشتاز، الگو، ضداستکبار و دیگر کارهایی که در مقاله آورده‌ام.«پدیده نادر» عنوان اصلی مقاله من بود که در این ویژه‌نامه کار شد و بنابر ضرورت رسانه‌ای عنوان آن تغییر کرد اما با توجه نسبت هستی‌شناختی و زبان‌شناسانه و زیبایی‌شناسانه و تاریخی و عصری و عملی این نام با «به دید آمدن» و ظهور نادر با ریشه فعل به دید آمدن یعنی پدید آمدن (و شاید برعکس!) و پدیده‌شناسی او، نام را تغییر دادند و گذاشتند «طالب حقیقت» که البته با طالب‌زاده ارتباط ملیحی دارد و در خور تلمیحی جالب! به هر رو حالا در ادامه سیماهایی از ویژگی نادر، می‌خواهم مطالبه‌ای جدی را مطرح کنم و شاید صداوسیمای ما و آقای جبلی، مدیر اصلی و انقلابی رسانه ملی در ایران، آن را جدی بگیرند و نتایجش به درد انقلاب جهانی اسلام بخورد.

ویژه‌نامه‌ای جدی در جهت روشنگری

ویژه‌نامه نادر در جام جم، ظاهرا مثل همه ویژه‌نامه‌ها بود و شاید حتی بپندارید خیلی تدارک دیده به نظر نمی‌آمد و با بسیاری می‌شد گفت‌وگو کرد که درنگرفت اما در باطن این ویژه‌نامه پر است از افق‌های کار عملی برای تداوم میراث نادر:

۱- گزارش «او با تمام افق‌های باز نسبت داشت»، به ما یادآوری می‌کند مستقیم یا غیرمستقیم به‌نام بنیاد نادر، می‌توان کنفرانسی جهانی از آدم‌های متفکر دیگر کشورها که او را می‌شناسند و در این گزارش درباره او سخن گفته‌اند و با حضور افرادی دیگر از همه قاره‌ها که دوستدار انقلاب اسلامی هستند، برگزار کرد. بهانه جمع‌بندی حیات و میراث نادر و کارهایی که می‌تواند ادامه یابد، فرصت خوبی برای بازسازی رابطه با متفکران قاره‌ها و بهره جهانی و شناختی از آنان شبیه کنفرانس افق نو و برگزاری مستمر چنین کنفرانسی است. در نوشته‌هایم بارها و در همین نوشته‌ام به ضرورت، برخورد جهانی درخور انقلاب اسلامی، پافشاری کرده‌ام که تأسیس بنیادهای فعال با فعالیت فرهنگی جهانی در مقاومت برابر توطئه‌های استکبار جهانی بس مهم است. بازسازی ارتباطات جهانی نادر با حضور متفکران و هنرمندان جهانی بس کار ارزشمندی است و یک کمیته نخبه می‌تواند تشکیل شود و با دعوت از دوستان جهانی نادر، این کار را پیش ببرد.

۲- راز نادر مقاله‌ای است که ضمنا ارزش گام عملی و سازماندهی و تشکیل یک نهاد حقوق بشری ضدترورهای بیولوژیک و رسیدگی به پرونده‌های موجود در این زمینه را در خود نهان دارد که بخش بین‌المللی قوه قضاییه می‌تواند با نیروهای انقلابی و ضدرفتار بروکراتیک آن را مدیریت کند.

۳- مقاله آمیختگی سینما اندیشه و هویت هم می‌گوید با گرد آوردن دوستان جهانی نادر و دیگر اندیشه‌ورزان می‌توان یک اندیشکده جهانی در سینما را بنا نهاد.

۴- مقاله طالب‌زاده و میراث ماندگارش، نهادسازی مثل جشنواره عمار برای تغییر ساختار را عمل سینمایی جهانی تکرار می‌کند.

۵- مقاله آموزگار جسارت توطئه به ضرورت‌های نهاد پاسخ به مزخرفات جهانی را گوشزد می‌کند.

۶- مقاله شیفته انقلاب به عمل براساس نگاه راهبردی تأکید دارد.

۷- با چشم‌پوشی از لقب اغراق‌آمیز فیلسوف در مقاله طالب‌زاده فیلسوف مخلص، این مقاله هم به برخورد جسورانه استراتژیک و جهانی او نگاه می‌کند که برای ما درس‌آموز است.

عمل‌گرایی به جای حرف‌محوری

حرف فایده ندارد، اینها را باید عمل کرد و دیگر ویژگی‌هایش را که در مقاله‌ام برشمردم و ماند برای بعد مثل: ویژگی پاسخ جهانی به مسأله جهانی و توان آگاهی‌بخشی جهانی ویژگی او بود.البته گشودن مفاهیم این خصوصیت‌ها و اشاره به گفتار و کردار رسانه‌ای و جهانیش حجم زیادی می‌طلبد که روزنامه یارای آن را ندارد و عنوان‌گونه آن را متذکر می‌شوم. منظورم اینجا آن است که نادر طالب‌زاده مسأله جهانی را تقلیل نمی‌داد و پاسخ ملی برای آن نمی‌ساخت، بلکه در سطح جهانی با آن برخورد می‌کرد. چه در دیدگاه و ادراک و چه در عمل و ارتباط.

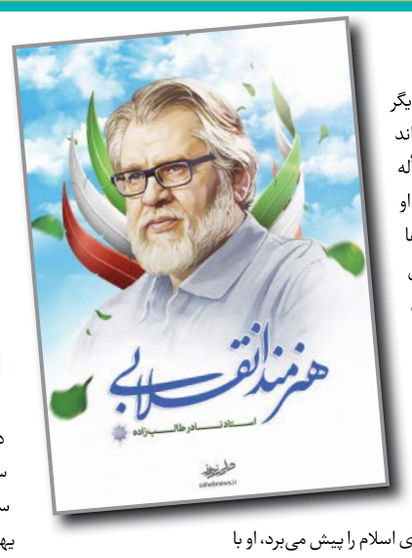

وقتی استکبار جهانی طرح و توطئه نابودی اسلام را پیش می‌برد، او با توهمات ملی واکنش منفعل نشان نمی‌داد، بلکه نیروی جهانی افشا و دفاع و مقاومت را برمی‌انگیخت از درون خود آمریکا تا مصر، آفریقا و اسپانیا و یمن و سوریه و....

اقدام فرهنگی

در برابر ضدانقلاب جهانی در گام اول او به اقدام انقلابی فرهنگی، آگاهی‌گری جهانی و ارتباط بین‌المللی دل می‌بست و آن را سازمان می‌داد. حال در قالب یک برنامه تلویزیونی، یک کنفرانس جهانی، یا یک جشنواره انقلابی و ضدلیبرالی.

رویارویی با قدرت‌ها

مرحوم طالب‌زاده، خود را در جایگاه رویارویی جهانی با قدرت‌های جهانی می‌دید. او گروه‌های چاکرصفت «ایرانی» را آدم حساب نمی‌کرد و به پشیزی نمی‌خرید و اعتنایی به این دلقک‌ها و عروسکان خیمه‌شب‌بازی نداشت.

علیه خشونت

بازتولید خشونت جهانی به‌ویژه به‌وسیله شیطان بزرگ واذناب اروپایی شیطان بزرگ و کشورهای غربی، افشاگری نادرش را برمی‌انگیخت.

میدان و ریختار

میدان فکری مقاومت جهانی و میدان جهانی عمل مقاومت را درخور عظمت انقلاب اسلامی برپا می‌داشت و خواست رهبر انقلاب و خواست مردم انقلابی و مؤمن را می‌فهمید و این از عقل فعال او بود. همین عقل او را به حفظ ریخت و شمایل انقلاب فرامی‌خواند.

جهانی‌سازی

طالب‌زاده فهمی مستند از جهانی‌سازی داشت و فریب نمی‌خورد و درست این امر سرمایه بزرگ او بود در مبارزه با تحولات سرمایه‌سالاری جهانی.او از ارتباطات سرمایه یهودیت باخبر بود و معنای جهانی‌سازی را می‌دانست و می‌کوشید مقاومت جهانی را علیه جهانی‌سازی برانگیزد.

پروژه‌های پیشران مقاومت جهانی

نادر طالب‌زاده، انسان پل‌گونه بود. پل‌گونگی و جوه گوناگون او بود. پلی بود بین انقلاب اسلامی و متفکران جهانی. پلی بود بین ایران و غرب در مسیر محور شیطان‌ستیزی جهانی، پلی بود بین قدرت‌هایی هرچند کافر شرق که اما آماده بودند پیمان نگه دارند و با اسلام و ایران و انقلاب اسلامی همکاری صلح‌آمیز کنند. او همه طراحی و نیروی سازماندهی پل‌گونه ارتباطی و فرهنگی‌اش را در سطح مقاومت و تداوم جهانی مقاومت، خرج می‌کرد. بدین ترتیب از پیشران‌های مقاومت جهانی تحت هدایت ولی فقیه بود. امکانات و ارتباطات شخصی او در خدمت ایفای این نقش بود. در ایران در ارتباط با این موضوع که از ماهیت انقلاب اسلامی جداناپذیر است، سه نیروی اصلی در صف مقاومت وجود دارد که ظاهرا مخالف مقاومت نیستند.

۱-کسانی که در باطن تسلیم‌طلبند و باوری به مقاومت ندارند و برای حکمرانی و قدرت ظاهرا و به زبان آن را تأیید می‌کنند اما از تمام امکانات خود در عمل ضد آن سود می‌برند و رؤیای‌شان تسلیم و سازش است.

۲- کسانی که به مقاومت ملی درون مرزها باور دارند و به مقاومت جهانی مسلمانان و مستضعفان، باور ندارند و با آن مخالفت می‌کنند.

۳- کسانی که طبق فرمان جدی الهی در جهان در حد وسع خود همواره مقاومت برابر شیطان درون و فرعون بیرون و مستکبران را اصل می‌دانند و به آن به هر شکل ممکن عمل می‌نمایند. اتفاقا نوک جنایت‌های تروریستی استکبار جهانی و صهیونیسم وحشی و عاصی همین افرادند، چه ترورهای علنی و چه ترورهای بیولوژیک و بیوشیمیایی که در مقاله راز نادر از آن مصداقی سخن رفت و من نیز همواره به آن اشاره کرده‌ام و جز ترورهای خونریزانه و ترورهای علنی برای ایجاد رعب، ترورهای خاموش را دربر می‌گیرد برای از میان برداشتن نیروی فرهنگی پیشران که اعلامش و اعلانش هزینه گزاف دارد و خاموش صورت می‌گیرد، اضافه بر نام‌های اعلام‌شده در مقاله راز نادر، نام‌های فراوانی را در برمی‌گیرد که مستندا یا احتمالا شهید شده‌اند و محصول همکاری اسرائیل و موساد، با نقش هدایتگر با ساواک و پرویز ثابتی زمان شاه و بعد از انقلابند یا با منافقین. من شخصا زیان‌های حتمی زندگی و حیات و وجود مرحوم طالقانی را برای طرح‌های تروریسم جمعی و عملیات مأمورانه منافقین پس از سال ۵۹، محتمل می‌دانم. او قربانی ترور بیولوژیک برای سکته شد و پیشتر سکته آقا مصطفی و بعدتر سکته سید احمدآقا، زیان وجود او را در دفاع از ولایت فقیه و خط امام و مخالفت با لیبرالیسم ضدانقلاب، از همین جنس می‌دانم و نیز، جدا از ترور شهید سید باقر صدر، ترور سید عبدالعزیز حکیم و آیتا... العظمی سید محمود شاهرودی و قربانیان ترورهای سعید امامی برای بدنام کردن جمهوری اسلامی را حداقل در وجه رازناک طرح که کسی جز اسلامی (امامی) از آن باخبر نبود، محصول هدایت نهان موساد و سیا تصور می‌کنم. آلودگی سازندگان سریال موسی علیه‌السلام را نیز همچنین. وقتی یاسر عرفات و امثال او که تا حدی در همراهی با غرب عمل می‌کردند در امان نبودند، چگونه هر فعال سیاسی و دینی مؤثر و دانا مثل مرحوم دیانی خارج از توطئه رژیم سفاک و بچه‌کش و تروریستی مثل رژیم نامشروع صهیونیستی ممکن نیست آلوده به سرطان شده باشد؟ همین‌جا می‌گویم از حاتمی‌کیا و ده‌نمکی، انقلابیون هنرمند باید مراقبت امنیتی علیه آلودگی بیولوژیک کرد. هزار بار که قرار نیست تجربه کنیم.

رویای نادر

رویای بزرگ نادر طالب‌زاده همان رؤیای صاحب‌الزمان (عج) و عدالت‌گستری جامع بود که فقط با ظهور امام معصوم و حجت خدا محقق می‌شود. در زمان‌ومکان کنونی اما رؤیای کنونی و فوری جهانی او خیزش جهان اسلام و مستضعفان و ملل و متفکران انقلابی علیه سلطه شیطان بزرگ بود و پایان دادن به‌سلطه فرعونی آمریکا و غرب و هر سلطه‌ای. او یقین داشت فرعون عصر داوطلبانه دست از سلطه نمی‌کشد و تنها قدرت، قدرت مردم جهان است برای پایان بخشیدن به ظلم موجود. رویای او در امر داخلی پایان دادن به فساد در حکمرانی بود که اعتقادی به انقلاب و امام ندارند و بر سفره انقلاب سرگرم اسراف و اترافند و... تشکیل یک جامعه سالم متعارف در حد توان مؤمنان و مردم و نفی ظلم و فساد درونی رؤیای او بود.

شرح و بسط میراث معنوی و عملی نادر طلب‌زاده کتابی می‌طلبد. او با همه مخلصین از جان گذشته و مؤمن در رؤیای پیشروی عدالت اجتماعی و تشکیل جامعه سالم و آزاد از قید فرعون و اسلامی و نه غربی و نه شرقی شریک بود.

بدترین ناشکری ما

بدترین عمل ناشکرانه ما در این مورد و در قبال او، نابودی میراث‌ها و بنایی است که در جامعه و فضای رسانه، حول این مقاومت جهانی پی انداخته است .نابودی دارایی‌های نادر و رها کردن آن، خواست آمریکا و صهیونیست‌ها و ظالمان جهانی است که در هرحال قاتل او هستند. چه کشته باشندش با ترور بیماری علاج ناپذیر و چه نه. بار گران رنج‌های ناگفته و در سکوت انسان را از پای در تواند آورد.

چه کنیم؟

وفاداری زبانی و بزرگداشت سالانه و ستایش او ارزش چندانی ندارد. مهم بازتولید مقاومت او و به طور خاص نهادینه کردن باز تولید نادرهاست که نیازمند، نهاد فعال و سازماندهی و عمل برای آموزش و پرورش نادر است و مقدم بر آن، نیازمند فضای زندگی الهی و حضور ملموس نیروهای مخلص و عملکرد واقعا عادلانه، سالم، فسادستیز نظام است و فراتر از حرف زدن درباره انقلابی زیستن.

دردناک است که بگوییم تا کی و چندمین سالگرد شهادت او رسانه‌ملی باید این‌قدر جربزه نداشته باشد که جای نادر طالب‌زاده و برنامه‌هایش و ارتباطات رسانه‌ایش را پر کند و دارایی نادر فعلا باد هوا شده است و کسان ناکس با صورتک مسئول انقلابی بر سفره انقلاب دنبال چرب و شیرین دنیا او را از یاد برده‌اند. هدف این ویژه‌نامه‌ها و مقالات، برانگیختن نهاد مستقل برای فعالیت است اما جلب توجه نهادهای رسمی مثل صداوسیما هم می‌تواند در جهت روشنگری و مطالبه‌گری تاثیرگذار باشد. در حقیقت خدا فراموشکار نیست و در ایران نیروهای مخلص کم نیستند و کارها پیش می‌رود مقاومت الحمدلله، رهبری صدیق و بی‌بدیل دارد.

قاب

غوغای انیمیشن‌های ایرانی در آمریکا

در سال‌های اخیر انیمیشن‌های ایرانی پیشرفت فوق‌العاده‌ای در ساخت و تولید داشته و مورد توجه مخاطبان در داخل و خارج از کشور قرار گرفته است، از این‌رو به‌تازگی دو انیمیشن «لوپتو» و «بیا آشتی کنیم» از آثار مرکز انیمیشن سوره به جشنواره‌ای در آمریکا راه یافتند و در بخش رقابتی پنجمین دوره جشنواره انیمیشن پام اسپرینگز آمریکا به نمایش درمی‌آیند. پنجمین دوره این جشنواره از ۳۰ آوریل تا ۳ جولای (برابر با ۱۰ تا ۱۳ اردیبهشت) در شهر پام اسپرینگز آمریکا برگزار می‌شود.

رویداد

«آب، باد، خاک، نان» در جشنواره اتریشی

فیلم مستند، یعنی شکلی از انتقال درام به مخاطب که در آن، حقیقت معیار است.

بر این اساس به‌تازگی مستند «آب، باد، خاک، نان» به جشنواره مردم‌شناسی اتریش راه یافت. مستند ۲۵ دقیقه‌ای آب، باد، خاک، نان که تولیدش بیش از یک سال زمان برده روایتی خوش‌آب و رنگ و لطیف از زندگی ابوالفضل و ستایش، دو کودک فهرجی است که در پیچ و تاب سرنوشت، زندگی متفاوتی را تجربه می‌کنند.

پخش بین‌الملل فیلم برعهده موسسه هنر هفتم با مدیریت علیرضا شاهرخی است. همچنین هفدهمین دوره این جشنواره از ۱۸ تا ۲۳ اردیبهشت در شهر وین اتریش برگزار می‌شود.عوامل سازنده آب، باد، خاک، نان عبارتند از: نویسنده و کارگردان: مهدی زمانپورکیاسری، فیلمبردار: داوود رحمانی، حسن سیدی‌پریشان، مهدی زمانپورکیاسری، تدوین: محمدرضا وطن‌دوست، صدابردار: پیام میرتبریزیان، صداگذار: آرش قاسمی، مدیر تولید: تیمور نوربخش، تهیه‌کننده: سمیه زراعت‌کار و مهدی زمانپورکیاسری./ مهر

اکران

«سلوک»؛ فیلمی تاثیرگذار درباره زنان

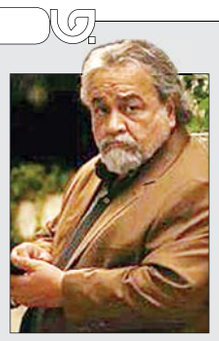

عباس رافعی که هنوز نتوانسته برای فیلم قبلی‌اش «غیبت موجه» پروانه نمایش بگیرد، می‌گوید، مجوز اکران «سلوک» را با دردسری کمتر گرفته است.

این کارگردان سینما که از حدود چهار سال گذشته در انتظار دریافت مجوز نمایش غیبت موجه بوده، اخیرا برای فیلم سلوک پروانه نمایش گرفته که از پروسه ساخت آن و جزئیاتش کمتر خبری منتشر شده بود.در این فیلم نرگس محمدی، محمدرضا شریفی‌نیا و امیررضا دلاوری بازی کرده‌اند و تدوین آن توسط سپیده عبدالوهاب انجام شده است.

رافعی درباره این فیلم می‌گوید: «داستان فیلم سلوک در مورد زنان و سیر و سلوک یک زن برای رسیدن به خودش است و این موقعیتی است که زنان نه تنها ایران بلکه بسیاری از کشورهای عربی هم با آن زیاد روبه‌رو می‌شوند که در بزنگاه‌هایی خود را متکی به مرد می‌دانند، در حالی‌که هیچ تکیه‌گاهی بهتر از خودشان ندارند.» رافعی قصد دارد با توجه به درونمایه قصه تازه‌اش، سلوک را ابتدا در جشنواره‌های خارجی و بعد کشورهای عربی اکران عمومی کند./ایسنا